



شماره

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

13

ارتقای ظرفیت و دادخواهی از حقوق سیاسی زنان



رسالت سیاسی زنان افغان در عصر حاضر



سال دوم شماره سیزدهم قوس 1391 مطابق دسامبر 2012

تعود سنگین دولت در برابر قیام افراد مسلح غیر مسؤل

غلام ربانی هدفمند

جغرافیای ولایت غور امسال نسبت به هر سال دیگری - ده سال اخیر بیشتر شاهد قتل، خون ریزی، نقض حقوق بشر، اختلافات ذات البینی، حراس افگنی طالبان و حضور گسترده گروه های مخالف دولت بوده است. مردم ولایت غور به هدف تغییر وضعیت از زاویه های مختلف دست به کار شدند و در رهبری اداره محلی تغییر آوردند.

اداره تازه پای، به هدف مدیریت اوضاع؛ در نخستین لحاظات آغاز به کار، تأمین ثبات را در اولویت وظایف خود قرار داد. چنانکه جلسه عمومی 1391 / 6/19 به اشتراک روسای ادارات دولتی، نهاد های مدنی و تعداد زیاد شهروندان در تالار کنفرانس های مقام ولایت غور تدویر شد و روی حل منازعات اقوام درگیر و نحوه معامله با حراس افگنان به مشوره گذاشته شد، مسؤلین دولت، مقامات محلی و علما با قومی خواندن منازعات موجود اما برای اداره محلی؛ مهم بر ایجاد کمیسیون هفده نفره زیر نام « کمیته حل منازعه اقوام زی رضا - تایمنی و سایر اقوام دخیل در قضیه » با حضور داشت طرفین قضیه به توافق رسیدند، اعضای کمیسیون با اتکا به احکام مورخ 1391/6/21 والی غور رسماً کار خود را آغاز کردند، چهل روز تمام را بالای طرح صلح و زمینه سازی ترک خصومت بین اطراف دخیل کار کردند و سر انجام در نشست عمومی مورخ 1391 / 7/ 30 فیصله کمیسیون هفده نفره اعلان، اطراف قضیه؛ فیصله را تأیید و صحه گذاشتند و با وساطت مسؤلین امور یکدیگر را در آغوش کشیدند.

سید انور رحمتی والی ولایت غور خطاب به افراد سرکش - مسلح غیر مسؤل از توانمند بودن نیرو های امنیتی صحبت نمود و نظر به اهمیت قضیه (زی رضا و تایمنی) تطبیق فیصله 1391/7/30 کمیسیون هفده نفره را آغاز فصل ثبات در جغرافیای ولایت غور خواند و مدعی شد که اداره محلی ولایت غور گشت و گذار هیچ فرد مسلح غیر مسؤل را در هیچ نقطه ولایت غور تحمل نمی کند، از امروز به بعد (1391/7/30) تنها ارگان های امنیتی ولایت غور مسؤل تأمین نظم عامه خواهند بود. والی غور مراجع دیگری را تعیین و توظیف نمود تا فیصله صلح 1391/7/30 بین اقوام زی رضا و تایمنی را تطبیق نمایند که تا هنوز تطبیق نشده است.

کشمکش ها و جنگ های 1391/9/21 اقوام زی رضا و تایمنی نشان داد که مؤظفین اداره محلی ولایت غور در تطبیق فیصله صلح 1391/7/30 مسؤلیت خود را در برابر مردم انجام ندادند. از باب دیگر عدم تطبیق فیصله های صلح نشان می دهد که پا در میانی مسؤلین امور در هر مصالحه؛ مصنوعی و غیر واقعی بوده است، زیرا در پایان هر نشست بین اطراف درگیر که هدف آن فقط قطع نزاع بوده است؛ شاهد منازعات متعدد بوده و هستیم. اما دولت در برابر تمام قیام های؛ بزرگوارانه سکوت است و صبر پیشه کرده است. قعود سنگین دولت در برابر قیام های مسلحانه افراد مسلح غیر مسؤل زنده گی عامه را به خطر مواجه می کند.

به باور عامه، اگر نحوه مدیریت از همین قرار باشد؛ نقطه آغاز مدیریت اوضاع توسط این اداره را می توان درست همان نطقه پایان کار اداره قبلی تعریف کرد.

حال اگر اداره محلی می خواهد که ثبات یا لا اقل امنیت را در جغرافیای ولایت غور تأمین کند؛ به موقف گیری روز 1391/7/30 خود در برابر حراس افگنان و افراد سرکش بصورت واقعی عمل کند.

زنده گی نامه مرحوم میرزا عبدالغفور خان مهاجر!



محترم میرزا عبدالغفور خان مهاجر فرزند دوست محمد خان ولایت خدایار ساکن اصلی و فطی کاسی علیا در سال 1319 در یک خانواده مسلمان، آبرومند و با عزت چشم به جهان گشود و در سن هفت سالگی شامل مکتب ابتدائیه کاسی علیا گردید و تا صنف سه در آن مکتب درس خویش را ادامه داد، بعداً نزد علمای محل تحصیلاتش را طور خصوصی پیش برد. مرحوم مهاجر در سال 1341 به مدیریت مکلفیت غور توظیف و مدت پنج سال در آن اداره ایفای وظیفه نمود و در سال 1350 تبدیلاً به مدیریت ثبت احوال نفوس غور توظیف و به وظیفه اش ادامه داد و مدت هشت سال را در مدیریت املاک غور تبدیلاً ایفای وظیفه نمود تا اینکه موصوف در سال 1358 آگاهانه و عاقلانه با تمام اعضای فامیل و عزیزان خویش به صفوف مجاهدین کشور پیوست و تعداد 14 نفر عزیزان و نور چشمان فامیل خویش را نثار راه جهاد کرد و هیچ گاه از شهادت شان مأیوس و ناراحت نبود و اظهار تأسف از جدا شدن عزیزانش نمی کرد. هیچ گاه صحبت آن خالی از اندرز و نصیحت نبود.

همیشه به خیر و فلاح محیط و اجتماع صحبت می نمود و یک لحظه از درد و رنج مردم غافل و آرام نبود. در سال 1371 بعد از پیروزی مجاهدین به حیث مدیر املاک غور تقرر حاصل نمود و وظایف محوله خویش را

به وجه احسن و صادقانه انجام داد و در سال 1389 به تقاعد سوق داده شدند. موصوف علاوه بر اینکه یک کارمند توانا و قلم به دست و نویسنده لایق بود؛ یک شخصیت جهادی بود و لقب پدر شهدا را در کاسی به خود کسب نمود. مرحوم در نزد مردم کاسی و قرای اطراف از رسوخ و اعتبار و نفوذ زیادی برخوردار بودند و در راستای وحدت و هماهنگی بین مردم و حل منازعات مردمی تلاش می ورزیدند. مرحوم میرزا عبدالغفور خان به اثر مشکلات و زیان های جانی و مالی که در دوره انقلاب اسلامی دیده بود؛ به مرض فشار خون و بیماری قلبی مبتلا گردید و دایم تحت تدای قرار داشت تا اینکه حوالی ساعت 6 بجه صبح یکشنبه مورخ 1391/9 / 12 بعد از ادای نماز صبح جان به جان آفرین سپرد. از بارگاه الهی جنت برین برای مرحوم و صبر جمیل به بازمانده گان شان آرزومندیم. انا لله و انا الیه راجعون.

در تاریخ بشریت یا به اساس قوانین مستبدانه ویا به اثر خودکامکی زمامداران مستبد عدالت اجتماعی نقض و حقوق انسانها مورد تجاوز قرار گرفته است، که در هر دو صورت با ید درمقابل بیعدالتیها ونا هنجاریهای اجتماعی که به بشریت رفته است،

برای دسترسی به حقوق انسانی و اساسی حرکتها و خیزشهای حقوق خواهانه توسط مدافعین حقوق بشر وکسائیکه به نحو مورد تبعیض وستم قرار گرفته اند، صورت بگیرد، که دراین راستا جهان شاهد مبارزات انسانهای آزاده درطول تاریخ بوده و مبارزات آنان درصفحه اوراق تاریخ با خط زرین ثبت میباشد، دراین گپرو دار تاریخی بیشترین تبعیض وحق کشی وستم برزنان رواداشته شده واین قشر عظیم ازجامعه انسانی همواره مورد بی مهربی و ظلم ستم قرار گرفته ویا اعمال قوانین غیر انسانی و ضد بشری (توسط حکام مستبد و باوره و سنت های ناپسند اجتماعی نسبت به زن) ازحقوق انسانی خویش محروم گردیده اند، که تاریخ خود شاهد براین (حق کشی ها و حق تلفی ها) است. و امروز اگر ما درجهان شاهد وضع قوانین نسبتاً خوب و عدالانه در بعض کشورها هستیم، این امر حاصل تلاش و مبارزات پیگیر و همه جانبه کسانتی است که عمر شان را در این راه سپری نموده و بعضاً جانیهای شیرین خود را از دست داده اند، تا این مسیر را برای ما و بعد از ما فراهم نموده باشند. یا وجودیکه هنوز قوانین غیر عدالانه نیز درجهان حکم فرما است.

دراین میان زنان کشور ما افغانستان نیز ازاین امر مستثنا نبوده ودر طول تاریخ این کشور به اثر نبود قوانین عدالانه که حقوق انسانی زنان را تأمین نماید، مورد ظلم و تبعیض قرار گرفته و ازحقوق خدادادی خویش محروم بوده اند، بخصوص در دوران حکومت جابرانه عبدالرحمان و امارت حق ستیزانه طالبان، زنان از هیچ حق انسانی برخوردار نبوده اند، اما خوشبختانه هم اکنون درکشور ما قوانین که حقوق شهروندان در آن تأمین و بطور یکسان در نظر گرفته شده به تصویب رسیده است، که در آن حقوق تمام اتباع بدون در نظر داشت جنس، مذهب و نژاد برسمیت شناخته شده است و در پرتو وضع و اعمال این قوانین است که بزخمهای دیرین شهروندان این کشور میشود التیام بخشید.

درقانون اساسی افغانستان نسبت بحقوق سیاسی زنان تبعیض مثبت در نظر گرفته شده و در انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی الزاماً باید 25% زنان اگرچند با رای کم با ید، در مجلس شورای ملی و شوراهای ولایتی راه پیدا نمایند، که امروز حتا درکشورهای که دموکراسی در آن نهادینه شده و تجربه زیادی را در مبارزات سیاسی و در مسایل انتخاباتی اندوخته اند، حضور زنان تا 17% میرسد، حضور 25% زنان در قوه مقننه کشور و هم چنین در شوراهای ولایتی که نقش نظارتی از کار کردهای حکومت محلی ولایات را دارد، میتواند باعث تحول عظیم در راستای دادخواهی از حقوق سیاسی زنان گردد، و زنان با استفاده از این فرصت فراهم شده حضور خویش را در صحنه های سیاسی کشور بیشتر تبارز دهند و نقش شان را در مبارزات اجتماعی ثابت سازند.

قانون اساسی و سایر قوانین نافذ در کشور، فرصت و بستر خوبی است برای حضور در صحنه های اجتماعی و مبارزات سیاسی زنان که با الهام از آن جایگاه خویش را در جامعه تثبیت و حضور خود را در صحنه های مبارزاتی حقوق خواهانه متبلور نمایند.

چیزیکه در دسترسی به حقوق سیاسی زنان، بسیار حایز اهمیت بوده، مسؤلیت پذیری خود زنان میباشد. موانع قانونی در مبارزاتی سیاسی وجود ندارد و مورد حمایت قانون قرار دارند، اما باید زنان با درک واقعیت های عینی اجتماعی، و با در نظر داشت حساسیت های اجتماعی، خود وارد صحنه های مبارزات سیاسی شوند. و قبل از همه این امر ظرفیت پروری و کسب آگاهیهای سیاسی را مطالبه که زنان خود را با ابزار و تکنیک های مبارزاتی مسلح سازند، یکی از این ابزار، خودباوری زنان است که میتواند بعنوان یک عنصر مهم در مبارزات سیاسی جایگاه خود را در جامعه باز کند. در این مبحث به بعضی راهکارهای که میتواند زنان را در مبارزات سیاسی شان کمک نماید، اشاره میگردد.

شرکت در انتخابات:

به اساس ماده سی و سوم قانون اساسی افغانستان هر شهروند کشور حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن را دارا میباشد. پس بنابراین هر زن افغان حق دارد خود را چه در انتخابات ریاست جمهوری و چه در انتخابات ولسی جرگه و شوراهای ولایتی بعنوان کاندیداتور نامزد نماید. میدانیم در جامعه مثل افغانستان چالشهای زیادی فراراه مبارزات سیاسی زنان وجود دارد، اما باید درمقابل چالشها و مشکلات به مقابله پرداخت و تسلیم سرنوشت که دیگران آن رارقم میزنند، نباید شد، که این کار خود جسارت و تلاش و پشت کاری خواهد. تا از این سنگلاخ ها زنان افغان عبور نکنند نمیتوانند به قله های کامیابی دسترسی پیدا کنند. زنان میتوانند به عنوان یک نیروی عظیم و تأثیر گذار انسانی در پروسه انتخابات، در پای صندوق های رای رفته و فرد دلخواه شان را انتخاب نمایند، و با اشتراک پرشور در انتخابات حضور خود شان را در جامعه تثبیت نمایند. و میتوانند از طریق شرکت در انتخابات از یکطرف به کرسی های مورد نظر دست یابند و از طرف دیگر در انتخابات حضور شان را بعنوان یک کتله عظیم از جامعه انسانی به اثبات برسانند.

تشکیل انجمن ها و سازمانهای اجتماعی:

مبارزات فردی نمیتواند نقش اساسی در روند مبارزات سیاسی داشته باشد. زنان افغان با تشکیل اجتماعات و سازمانهای اجتماعی میتوانند در صحنه های سیاسی و اجتماعی با انسجام و سازمان یافتگی بیشتر تبارز نمایند.

اگرچه بعضاً انجمنها، سازمانها و نهادهای زنانه در کشور شکل گرفته، اما به هیچ عنوان بسنده نیست بلکه سازمانهای دیگری با ظرفیت های بالای تشکیل گردد و نمایندگی از تمام ویا بیشتر زنان افغان را نمایند. چیزیکه در این مورد قابل یادآوری است اینست که سازمانها و نهادهای زنانه بخاطریکه نمایندگی از یک قشر همیشه محروم جامعه بنام "زن" نمیآید، نباید دچار وسوسه های قومی، نژادی، سمتی مذهبی و گردند. زیرا اگر زنان دچار چنین مسایل دست و پاگیر گردند، از هدف اصلی شان که همانا دسترسی به حقوق انسانی شان است، باز میمانند.

زنان با تحلیل از وضعیت های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور باید تلاش نمایند که رکود چندین دهه و چندین سده مبارزات سیاسی زنان را شکستاده و با استفاده از فرصت پیش آمده و با استفاده از ظرفیت های موجوده و حمایت های ملی و بین المللی برای جبران کاستیهای گذشته و برای بدست آوردن حقوق از دست رفته شان مبارزه نمایند. در شرایط فعلی زنان بعضاً در جاهای مناسبی در نهادهای ملی و بین المللی قرار دارند که میتوانند در مبارزات دادخواهانه زنان، در کشور نقش اساسی ای را ایفا کنند.

کشف مواد انفجاری در نزدیکی شهر چغچران



در اول و سوم ماه دسمبر، تیم بازسازی ولایتی (پی آر تی 16) در جریان اجرای گزیه های شان جهت تامین امنیت و حفظ شهروندان ولایت غور از وسایل انفجاری، مواد انفجاری را در نزدیکی شهر چغچران کشف نمودند.

تیم ماین پاک (EOD) پی آر تی مقیم ولایت غور بعد از کسب معلومات در رابطه به مواد منفجره به محل رفت ، ساحه را از نزدیک بررسی نمود و بلاخره مواد منفجره کشف شده را منفجر ساخت.

جاسازی مواد منفجره، به مردم محل مشکلات بزرگ را بوجود میآورد، هر سال تعداد از اشخاص در اثر انفجار ماین ها کشته و یا زخمی می شوند. گفتنی است که اطفال نسبت به اشخاص دیگر از انفجار مواد منفجره آسیب پذیر اند. اطفال در حالت عدم آگاهی مواد منفجره را به خانه آورده و جان افراد دیگر فامیل شان را نیز به خطر میاندازند.

برای جلوگیری از خطرات ماین ها، وظیفه و مسولیت هر جوان می باشد تا اطفال را از دست/لمس نمودن وسایل باقی مانده از جنگ ها منع سازند.

اشخاص که می خواهند علایم مواد منفجره خطر ناک را نوت بگیرند، تدابیر ذیل را مد نظر بگیرند:

- آنرا دست نزنند (لمس نکنند).
- مناطق که با رنگ نشانی شده اند، نمایانگر تصفیه ماین ها می باشد.
- در صورت کسب معلومات در رابطه به ماین ها، فوراً نیروهای امنیتی را آگاه سازید.
- در صورت امکان ؛ به محل کشف شده بمانید و منتظر خنثی سازی ماین ها توسط نیروهای امنیتی باشید.
- به یاد داشته باشید که: در صورت روبرو به مواد منفجره بی تفاوت ننشسته و نیروهای امنیتی را آگاه سازیم چون هرگاه مواد متذکره به مدت زمان معین اش رسیدگی نشود، هر کس می تواند قربانی آن باشد.

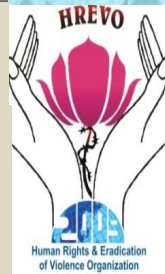
به مناسبت باز گشت حجاج از سفر حج بیت الله

استاد زمان الدین عباسی - آمر لیسۀ سلطان رضیة



خیر مقدم قاصدا از سوی سلطان آمدی دیدنت بر ما جهان فیض رحمانی بود برق چشمت می رساند گونه گون تصویرها ازصفاء و مروه دیدی بس صفای قلب خویش آستان خانه را ، اندر مقام آن خلیل حلقه های وصل دیوار یتیمش دیده ای کوه عرفان، مزدله خود اقامت گاه خاص از تعارف در منازل های گونا گون شوق جمره را رجم شیاطین به تمهید و ثبات هست بار معصیت طوفان ناهنجار عبد در پذیرد مالک الملک جمله افعال ترا لذت منزل به منزل رفتنت من دیده شوق ماو ذوق مابودی به انجامش همیشه این «حمیدی» باد تریک حج سفروسی وصال همت رامن بنارم زانکه هستی زی نسب با یکدم تا به بوسم از قدم تا فرقی سر یوسف عصرم تویی اما جمال پوشیده است رمز های عاشقانه مژده ها گیرد « زمان»

پر ترنم خوش معطر ، بو جاتان آمدی زانکه از سوی حجران بیت رحمان آمدی از مقامات مقدس قصه گوین آمدی حال حاجردنج اسماعیل به گریان آمدی سرزمستی دست افشان پای کوپان آمدی در طواف کعبه چون پروانه پر آن آمدی از منا منزل به سوی اصل قربان آمدی زان مقامات آشنای اهل عرفان آمدی سخن صیادی قوی با تیز پران آمدی ای خوشا از لطف اویکسو زطوفان آمدی بهر انجام عبادت چشم گریان آمدی خوش قدم با عرض ما ای پیک شادان آمدی در سفر اندر حضور در دل گلستان آمدی هم سلامت پیش طفلان جمع یاران آمدی اصل رااوفست به عهداصل مردان آمدی تازه دم از طرف جاتان سوی حیران آمدی بعد ایام فراغم باز به کنعان آمدی خیر مقدم قاصدا از کوی جاتان آمدی



ارتقای ظرفیت و دادخواهی از حقوق سیاسی زنان

دادخواهی و چالشهای احتمالی آن



دادخواهی چیست ؟

دادخواهی یک فرایند اجتماعی و غیر سیاسی است که از آن تعریفات چندی صورت گرفته است و در این جا یک تعریف آورده می شود : "دادخواهی ، کارکرد یا عمل انفرادی یا گروهی را گویند، که به منظور تأثیرگذاری بالای برنامه های عامه ، قوانین لوایح ، سیاستها و سایر هنجارهای اجتماع، از طریق منابع و برنامه های سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی ، راه اندازی میگردد . انگیزه اصلی دادخواهی رانتغیر ، توسعه وبهبود در مناسبات اجتماعی تشکیل میدهد . دادخواهی میتواند فعالیتهای اشخاص ویا نهاد رادریگربرد ."

رویکرد دادخواهی :

با توجه در مآثریت ، نقش و کارکرد یک دادخواه که همانا تواناسازی، همراهی و نمایندگی از اقشار محروم و آسیبپذیر است، میتوان شیوه بر خورد با دادخواهی و رویکرد به آن را در سه دسته بصورت ذیل طبقه بندی نمود

دادخواهی برای مردم زیان دیده :

درین حالت دادخواهان به نمایندگی از متاثرین وکسانیکه به حاشیه رانده شده اند دادخواهی مینمایند. متاثرین یا دانش و توانایی لازم دادخواهی را ندارند و یا اینکه ممکن در صورت دادخواهی برای خودشان مورد تبعیض، تهدید و یا مجازات بیشتر قرار بگیرند. در این رویکرد، نقش دادخواه نمایندگی کردن از آسیب دیده و حق تلف شدگان است.

دادخواهی توسط مردم زیان دیده:

درین حالت دانش، ظرفیت و توانایی افراد متاثر بلند برده میشود تا آنان توانایی انجام فعالیتهای دادخواهی را پیدا نمایند. یکی از مفیدیتهای این شیوه تداوم فعالیتهای دادخواهانه توسط خود مردم متاثر میباشد. زیرا مردم هم توانایی و هم مهارتهای لازم دادخواهی را دارا میگردند. مفیدیت دوم این شیوه مؤثقت آن است. زیرا متاثرین واقعی مستقیماً نه بالواسطه در پی تغییر اوضاع، تصامیم، پالیسی و قوانین به نفع خودشان اند. در این رویکرد، نقش دادخواه توانا سازی است

داشتن دانش و مهارت برای داد خواهی برای یک جامعه ضروریست ، تا مادامیکه مردم یک جامعه آراسته به دانش و مهارت های زندگی نباشند هر گیز نمی توانند به داد خواهی بپردازند زیرا همانطوریکه در بالا گفته شد ، به اثر بی دانشی و عدم آگاهی داد خواهی به خطر مواجه میگردد.

دادخواهی با مردم زیان دیده :

در این حالت دادخواهی به صورت اشتراکی به پیش برده میشود. طوریکه دادخواهان همراه با متاثرین نه به نمایندگی از آنان دادخواهی مینمایند. افراد متاثر در انتخاب موضوع دادخواهی، تعیین اهداف و استراتژیهای کاری، تصمیمگیری و همینطور پذیرفتن مسولیت ها جهت انجام تلاشهای دادخواهانه سهیم اند. در این رویکرد، نقش دادخواه همراهی است. در دادخواهی همراهی نمودن به آسیب دیده ها یک نوع قوت قلب است که سبب می شود شخص مصدوم و یا جامعه و افراد زیان دیده بتوانند بروحیه آرام به قیام داد خواهانه بپردازند این جهش باعث آن می شود که داد خواهی به صورت اصولی و از مجرای قانونی آن انجام پذیرد

چالشهای دادخواهی :

طبیعی است که دادخواهی با دارا بودن چنین مشخصات، عاری از خطرات و چالشها نخواهد بود. چالشها و نابسامانیهای که در جریان فعالیتهای دادخواهی و تلاشهای دادخواهانه جنبشهای عدالتخواه رونما میگردند، بیشترین تأثیر را بر دادخواهان و جریان دادخواهی خواهند گذاشت. به تعبیر دیگر: لبه تیز چالشهای عرصه دادخواهی یا متوجه دادخواهان و یا هم متوجه فرایند دادخواهی است. یعنی ظهور و بروز مشکلات و چالشها دو اثر منفی را در پی دارد، یا دادخواهان را از صحنه بیرون میراند و یا فرایند دادخواهی را عقیم میسازد

تبدیل شدن "وضعیت خوب" به "وضعیت بد":

فرایند دادخواهی ممکن است نظر به عوامل متفاوت به اهداف مورد نظر نینجامد. در صورتیکه دادخواهی منجر به تغییر مثبت نگردد و یا وضعیت بهتر را به وضعیت بدتر تبدیل نماید، در واقع دادخواهی مسیر انحرافی را پیموده است. بنابر این تبدیل شدن "وضعیت خوب" به "وضعیت بد" در اثر دادخواهی میتواند یکی از آسیبهای دادخواهی محسوب شود. مثلاً دادخواهی جهت محاکمه جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشر در افغانستان که منجر به تصویب قانون "مصالحه ملی و عفو عمومی" گردید و بر اساس آن تمام جنایت کاران جنگی و ناقضین حقوق بشر همدیگر را مورد عفو قرار دادند

قدرت گیری مرتجعین:

عمده ترین چالش و آسیبی که دادخواهی جنبشهای عدالت خواهانه را تهدید مینماید همانا سوء استفاده از دستاوردهای چنین جنبشها است. بدین معنی که جنبشهای خود انگیخته با اتکا به مردم به پیشبرده شده و به موفقیت می رسند، ولی قدرتگیری مرتجعین بعد از پیروزی جنبشها، دستاوردهای جنبش را در مسیر مخالف اهداف اولیه سوق میدهند. جهاد مردم افغانستان مصداق بارز در این راستا است

مقاومت در برابر تغییر:

چنانچه در سطور قبلی توضیح داده شد که اهداف دادخواهی چیزی نیست جز "تغییر مثبت" و "تأثیر مثبت". با در نظر داشت محیط دادخواهی، رسوم پایدار و حاکم بر آن محیط، مناسبات حاکم بر رفتارها و طرز نگرش مردم میتوان دریافت که ایجاد تغییر کار بسی مشکل است. گاهی مقاومت در برابر تغییر منجر به ناکامی فرایند دادخواهی میگردد. شرایط زمانی نشان میدهد که ارباب قدرت در مقابل تغییر از خود مقاومت نشان میدهند ، چنانچه مقاومت دولت لیبی در مقابل متعاضان نشان دهنده مقاومت در مقابل تغییر است ، زیرا مردم آرزودارند تغییری مثبت و دموکراسی را در جامعه پیاده سازند ولی به مقاومت جدی از طرف زورمندان دولتی قرار گرفته اند

ماهیت جامعه:

عناصر اساسی در تکوین و شکلهی نگرشهای جامعه همانا آگاهی و تعلیم است، زیرا آگاهی و تعلیم در کاهش پیش داوریهها و تبعیض نقش بسزا دارند. موجودیت تبعیض و پیشداوریهها مقاومت جدی را در برابر تغییر مثبت و دادخواهی ایجاد مینمایند. جامعه طوری عادت نموده که در قدم نخست در مقابل داد خواهی از خود عکس العمل نشان دهند ، اما وقتیکه جامعه به دانش آراسته گردد خود به خود می توان پروسه داد خواهی را دنبال نمود

تأثیرات سیاسی:

این نکته را باید تذکر داد که دادخواهی یک فرایند سیاسی نبوده و در صدد آن نیست که شخص و یا گروه خاصی را به قدرت سیاسی برساند و یا از آن محروم نماید. ولی با این دیدگاه که دادخواهی در صدد رفع نابرابریها، بیعدالتیها و ایجاد توازن در قدرت است، ناگزیر باید با سیاست سروکار داشته باشد. بنابر این، ممکن است که برخی فاکتورهای پیدا و پنهان سیاسی در ناکامی فرایند دادخواهی تأثیرگذاری داشته باشند. به ویژه اگر دادخواهی با هدف تغییر مثبت در تقابل با منافع قدرتمندان قرار گیرد و یا فعالیتهای دادخواهانه توسط جریانهای سیاسی تمویل گردند

مشکل تقنینی:

این نکته واضح است که دادخواهی عمدتاً با هدف ایجاد، اصلاح و تطبیق قوانین و پالیسیها آغاز می یابد. ولی ایجاد تغییر در پالیسیها و قوانین با حفظ ویژگیهای عادلانه و فراگیر بودن شان، کاری بس دشوار است. به خصوص اگر روند تقنین با بوروکراسی پیچیده و معلق توأم باشد. چنین معضلی در دادخواهی استراتژیک به وضوح مشاهده میشود

محسوس نبودن نتیجه:

دادخواهی یک برنامه زمانبر است و مدت طولانی را دربرمیگیرد تا "تغییر مثبت" و "تأثیر مثبت" را بوجود آورد. بنابر این، نمیتوان نتیجه محسوس را در کوتاه مدت دید و یا بدست آورد. از سوی دیگر ، چون دادخواهی زمانبر است، لذا نیازمند منابع پایدار و قوی بوده و در عین حال ممکن است انحراف منابع را در پی داشته باشد و یا توجه لازم را از کارها و فعالیتهای دیگر منحرف نماید

نا پایداری:

دادخواهی نیازمند فعالیت دوامدار و پایدار است تا حصول نتیجه را تضمین نماید. ولی نامنظم بودن و ناهماهنگی فعالیتهای دادخواهی ممکن است این روند را به اخلال مواجه نموده و دچار افت و خیز نماید.

خطرات مربوط به دادخواه :

دادخواهان نیز منحصبت بازیگران اصلی عرصه دادخواهی ممکن است با برخی مشکلات و موانع در جریان پیشبرد فعالیتهای شان مواجه گردند که عمدهترین خطرات احتمالی عبارتند از :

تغییر شهرت:

بدین معنی که موفقیت و عدم موفقیت جریان دادخواهی تأثیر مستقیم بر اعتبار و شهرت دادخواه دارد. موفقیت دادخواهی منجر به افزایش اعتبار و شهرت نیک دادخواه میگردد و عدم موفقیت جریان دادخواهی، ممکن است تأثیر منفی را متوجه شخصیت دادخواه نماید

مخالف شدن :

طبیعی است که رویارویی با گروههای که دادخواهی را برنمیتابند و یا دادخواهی در تقابل با منافع آنان قرار گیرد، منجر به افزایش مخالفت ها علیه دادخواه میگردد

ضرر اقتصادی:

پیشبرد فعالیتهای دادخواهی نیازمند منابع و حمایتهای مالی است و ناگزیر مصارف و احیاناً خساراتی را متوجه دادخواه مینماید

منزوی شدن :

فعالیتهای دادخواهی با در نظر داشت ماهیت جامعه و مقاومت آن در برابر تغییر، ممکن است منجر به انزوای دادخواهان شود و یا همکاران و شبکه اش را از دست دهد.

بعنوان نتیجه میتوان بیان داشت که دادخواهی یک پروسه و جریان اجتماعی است و احتمال سوء تعبیر شدن ، عوام زدگی ، سوء استفاده شدن اهداف و دست آورد های آن توسط سیاست مداران ، و خارج شدن از حالت اجتماعی اش و گرفتارن صبغه سیاسی وجود دارد و خطرات احتمالی در مسیر راه جریان دادخواهی و افرادی که دادخواهی را انجام میدهند و میخواهند تغییر ایجاد نمایند و تأثیرات مثبت روی جریانان سیاسی و اجتماعی بگذارند ، وجود دارد و بدون شک جریان دادخواهی از حقوق سیاسی زنان نیز از این قاعده بری نخواهد بود .

اهمیت نظام اسلامی در جامعه

عبدالقادری نادری

طوری‌که به همگان مبرهن است، نظام که مبتنی بر ایده لوژی مقدسی اسلامی سیر و حرکت نکند چالش‌های خود را دارد. نظام که اطاعت امر را پیروی و اطاعت خدا می‌داند. اصولی که افراد را به اساس کار دانی، توانایی و پرهیزگاری معرفی می‌کند، و بر اجرای ضوابط و قوانین تأکید می‌ورزد نه بر پایه روابط و رشوه و تحفه. اجرای وظیفه را واجبه از طرف خداوند میداند. امکانات دولت را مال و دارای شخصی کس ندانسته، بلکه ملکیت تمام مردم می‌داند، حفاظت و حراست آنرا بر هر مسلمان واجب گفته است. عزت و شرافت را در پرتو تطبیق احکام و دستور خداوند دانسته، دعوت و تبلیغ را وظیفه هر فرد مسلمان بخصوص علمای کرام و مشایخ عظام و دانشمندان دیندار دانسته است. نظام یکه تنها به اجرا نمودن قصاص 95% مشکلات و معضلات جامعه بشری و انسانی را مرفوع می‌سازد. هر قدر که به مرجع و منبع نقلی این نظام بذل توجه صورت گیرد به همان اندازه جامعه انسانی و اسلامی ما شکوفا شده و ترقی می‌کند. قیمت و ارزش این دین کامل مقتضی آن است که در ترکیب فکری مسلمانان باشد، نظام خداوندی سزوار این است، که در محور و محراق تو چه بشریت قرار گیرد، بدون تردید قانونی که جامعه را از جور ظلم و ستم نجات داده و به سمت و سوی عدالت اجتماعی، برابری و برادری جهت و استقامت می‌دهد و اجتماع را از لوث شریکیت و خرافات پاک ساخته، و انسان‌ها را در جاده هدایت وحدانیت راهنمود می‌سازد. دور از شک انسان‌های هستند که شب و روز فکر شان در تحکیم و ترقی این سیستم الهی مشغول و مصروف است. عظمت و قدرت را تنها در ساحت و کین دین مبین اسلام می‌بندد. سرفرازی خود را در برافراشتن علم اسلام عزیز می‌دانند.

مراکز اصلی نظام اسلامی که همانا: مدرسه‌ها، دارالعلوم‌ها و دارالحفاظ‌ها است که متأسفانه در این عصر دین ستیز که هر کسی از هر گوشه و هر زاویه بی‌باکانه و گستاخانه در مورد آن هرزه‌گویی و یاهه‌سرای می‌کند. طوری‌که هویدا و آشکار است؛ دشمنان دین اسلام از همان طلوع فجر اسلام تا اکنون با دین در نبرد هستند و مسیر شان معین و مشخص است. اما باب سختم‌سوی کسان است، ادعای محبت و شفقت با خدا و رسول و اصحابش را می‌کنند، ولی هیچ نوع توجه به کتاب خداوند و به سنت پیامبر نمی‌کنند، بطور نمونه ما در ولایت خود یک باب دارالحفاظ داریم که بتعداد 84 نفر شاگرد دارد که مشکلات مکانی اقتصادی اعاشه و اباطه گذاشته باشد که حتی بفقدان قرآن کریم مواجه اند، که توجه مقامات و مردم شریف غور را در عرصه خواهیم، اسلام می‌گوید: من از پاپ کشش هرگز نمانم؛ که با من هرچه کرد این مومنا کرد، ما مسلمانان که خود را حامیان و علم برداران این دین می‌دانم و راه روان حقیقی اسلام می‌گویم اما با درد و الم فراوان که گفتار و عمل ما با هم وفق ندارد.

افتتاح تعمیر جدید دارالایتم در چغچران



به تاریخ 1391.9.7 تعمیر جدید دارالایتم که 200 طفل که 10 آترا دختران تشکیل می‌دهد، طی محفل در چغچران افتتاح گردید..

هزینه این پروژه 0.5 میلیون دالر آمریکایی بوده که به عنوان کمک مالی توسط هیئت ویژه کشور لیتوانیا در افغانستان اهدا گردیده است. تعمیر جدید دارالایتم با وسایل مکمل ضروری آن اعمار گردیده که دارای میدان بازی و باغچه گل میباشد. اطلاق در خانه جدید خود انتقال می‌بند.

محفل با اشتراک؛ آمنه صافی افضلی وزیر کار و امور اجتماعی، گینتارس باگونس ریس هیئت ویژه جمهوری لتوانیا، سید انور رحمتی والی ولایت غور؛ دگروال لیس کویلیوس قوماندان پی آر تی چغچران؛ محمد اسحاق همراز شهردار شهر چغچران، مقامات و مردم محل برگزار گردید.

ریس هیئت ویژه کشور لیتوانیا آقای گینتارس باگونس در صحبت خود گفت: « نسل آینده امید و آینده افغانستان است، پی آر تی چغچران، دولت جمهوری اسلامی افغانستان و مقامات محلی برای فراهم نمودن خدمات اساسی بخاط یک آینده بهتر برای افغانستان کار می‌کنند.»

خانم افضلی از لیتوانیا و مردم آن بخاطر اعمار تعمیر جدید دارالایتم در مرکز چغچران ابراز سپاس و قدردانی کرد. بهبود وضعیت اجتماعی در ولایت غور به مردم امید میدهد.

ریاست احتساب محکمه استیناف ولایت غور

نظام الدین (حبیبی) رئیس احتساب محکمه

ریاست احتساب محکمه استیناف در سال 1391 تحت چوکات ورهبری ریاست محترم محکمه استیناف ولایت غور جدیداً به فعالیت آغاز کرده است و تعداد (4) نفر تشکیل دارد یک نفر عضو و دو نفر مامور فعال در حال انجام وظیفه می‌باشند.

احتساب جزء قضاء بوده به معنی حفاظت و حراست از تطبیق اوامر الهی (ج) میباشد که در زمان رسول کریم (ص) این اداره تاسیس گردیده از همان عصر تا الحال در اکثر ممالک اسلامی جزء قضاء بوده و به فعالیت خویش ادامه می‌دهد که باعث تأمین امنیت و رفع فساد اخلاقی و منکرات در جامعه خود شده اند.

بنابر این وظایف و صلاحیت‌های این ریاست مشتمل به سه بخش عمده ذیل میباشد.

اول: در بخش عبادات، دوم: در بخش معاملات، سوم: در بخش منکرات و مفاسد اخلاقی، و امر بالمعروف و نهی عن المنکر وظیفه همیشگی این ریاست میباشد.

علاوه بر فعالیت‌های این برنامه محترم نظام الدین «حبیبی» رئیس احتساب محکمه از ابتداء تاسیس این ریاست تا اکنون بمدت اندکی فعالیت‌های ذیل را انجام داده است.

1 مطابق لایحه وظایف و هدایت محترم الحاج عبیدالله «حنیف» ریس محکمه استیناف غور طی مکتوب معرفی ریاست احتساب بخاطر پخش نشر دین به امریت رادیو تلویزیون ملی غور معرفی و برنامه‌های هفتواری یعنی هفته یک روز از طریق رادیو تلویزیون ملی غور مو عیظه رسالت دینی و فرهنگی و اجتماعی انجام وظیفه مینمایم.

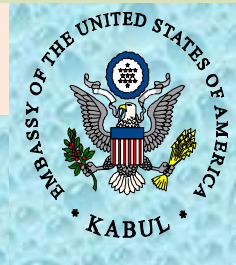
2 سهم گیری فعال در نصاب تعلیمی معارف و نظارت از امور تدریسی در بعض مکاتب و مدارس و بیان نمودن اهمیت وقت و چگونگی مطالعه برای شاگردان و تدریس بعض مضامین در دارالمعلمین عالی غور بطوری افطخاری انجام داده ام.

3 تلاش در جهت رشد تقویت استعدادها و ظرفیت‌های جوانان با ایجاد مراکز تربیوی اسلامی و منجمله برگزاری مسابقات قرآن عظیم الشان انجمن اصلاح و معرفت و بمدت (5) برج بیعت سرپرست مسئول انجمن اصلاح و معرفت انجام وظیفه نموده ام.

4 سفارش از کنکداری تلعل ارتشاء و اختلاس در بین افراد جامعه و در بعض ادارات دولتی انجام وظیفه نموده ام.



ارتقای ظرفیت و دادخواهی از حقوق سیاسی زنان



مبادی حقوق مدنی و سیاسی زنان

زنان به مثابه نصف جامعه انسانی همان نقش حیاتی را که مردان در امور سیاسی و مدنی دارند، زنان نیز داراست. اما این اصل بدیهی جهان امروز؛ در جوامع که از آن به عنوان جامعه دموکراتیک یاد می‌شوند و جود نداشت. یونان که سرزمین مهد و خاستگاه دموکراسی و علوم است به چنین اصل توجه نداشته اند. آتن دولت-شهر یونان از جمعیت 400000 نفری خود فقط 150000 فرد آن حق رای و مشارکت در جلسات آگورا را داشتند، بقیه جمعیت آن که نزدیک 250000 نفر می‌شدند از این حق برخوردار نبودند و در این آمار زنان و بردگان از همه بیشتر به چشم می‌خوردند. در این تجمعات در کل روی موضوعات حیاتی سیاسی و اجتماعی تصمیم گیری صورت می‌گرفت. [1]

دین اسلام زنان و مردان را در یک ردیف قرار داده است و کرامت انسانی را به زن و مرد مساوی و برابر دانسته است «ما شما را از زنان و مردان خلق کرده ایم و گردانیدیم شما را به قبایل و گروه‌ها تا این که از هم شناخته شوید، در نزد خداوند با کرامت ترین (کرامت اکتسابی) با تقوا ترین شمایم.» [2] قبل از این که سراغ اسناد ملی و بین المللی حقوق مدنی و سیاسی زنان برویم، می‌خواهم به این حقیقت تاریخی و انسانی که زنان مظلوم ترین قشر جامعه بشری بوده اند اذعان و اعتراف نمایم. نمی‌توانیم زنان را متهم کرد که آن قاطعانه برای احقاق حقوق شان مبارزه نکرده اند؛ چون شرایط طوری بوده که زنان را در چهار دیواری خانه محصور کرده است. این وضعیت هم در اکثر نقاط کشور مان جریان دارد.

حقوق مدنی و سیاسی که در سال 1966م توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده بیان گر امر تساوی بهره گیر و استفاده از تمام حقوق مندرج آن مصوبه است که در ماده سوم آن چنین ذکر شده است «دولتهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش بینی شده در این میثاق تأمین می‌کنند.» این سند و سایر سند تأکید دارد و ملزم می‌گرداند که دولت‌های امضا کننده این میثاق باید تساوی حقوق مدنی و سیاسی بین زنان و مردان را تأمین نماید. [3]

حق مشارکت سیاسی را اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین بیان داشته است: «هر کس حق دارد که در اداره امور عمومی کشو خواه مستقیم و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جویند.» [4] مشارکت زمانی به وجود می‌آید که روند انتخاب شدن و انتخاب کردن به صورت آزادانه و مساوی میسر باشد. حق رای به عنوان یک مولفه ی از حقوق سیاسی - مدنی انسان بدون تبعیض زن و مرد قابل قبول اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد. این امر در کشور های گوناگون به امروز و جود نداشت، بلکه معیار های چون طبقه اجتماعی (روسیه/1920) رای یک کارگر = 5 رای کشاورز، ثروت (فرانسه، رای یک ثروتمند = 2 رای معمولی) و تحصیلات (انگلستان قرن نهم، رای دیپلمه‌ها) را در نظر داشت [5].

حقوق مدنی و سیاسی زنان در قوانین اساسی تمام کشور های جهان امروز تصریح شده که در قانون اساسی افغانستان بیان شده است که: زنان مانند مردان حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن را دارا است [6]، بدون در نظر داشت نوع مقام که احراز می‌کند (مانند زعامت کشوری، مقامات اجرایی و مقننه). در مورد سایر حقوق مدنی و سیاسی زنان با استناد به اصل دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر که افغانستان در قانون اساسی خویش خود را ملزم رعایت آن نموده؛ چنین اشعار می‌دارد: «هر کس می‌تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس (نقطه مورد نظر ما)، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا هر عقیده دیگر... از تمام حقوق و تمام آزادی های که در این اعلامیه ذکر شده است، بهره مند شوند. مانند این که می‌تواند دست به تشکیل انجمن‌ها، سازمان‌ها و احزاب بزنند. و از آزادی های چون بیان و عقیده بر خوردار شوند.

قانون اساسی مصوب 1948م ایتالیا نیز در ماده سوم خود بیان داشته که تمام ملت ایتالیا از شان اجتماعی مساوی بر خوردارند و بدون هیچگونه تبعیض از نظر جنس، نژاد و زبان... در برابر قانون مساوی اند. در مورد حقوق کاری زن نیز در ماده 36 آن بیان شده که کار زن دارای حقوق مساوی با کار مرد است. [7] از این معلوم می‌شود که کشور های جهان گاهی به صراحت تمام تساوی حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین تمام انسان‌ها را شناخته است.

با توجه به مواد قانونی و حقوقی که جهان امروز به آن معترف است، برابری زنان و مردان در متون حقوقی اذعان و تأکید شده است. در عمل نیز قرن بیستم و آستانه شروع قرن بیست و یکم نقطه عطف بوده است. در آلمان خانم انگیلا میرکل به بلند ترین مقام حکومتی رسید. این مقام را از طریق انتخابات به دست آورده است. در تایلند نیز چندی قبل خانم جوان به کرسی نخست وزیری رسید که خود گواه بر جامه عمل پوشیدن آن اصول آرمانی است. در دهه هشتاد میلادی خانم ایندرا گاندی دختر مرد مبارز جواهر لعل نهرو به نخست وزیر آن کشور رسید که با درایت تمام توانست مشکلات داخلی و خارجی آن زمان خویش را حل نماید. [8]

استفاده از حقوق انسانی در قرن بیستم و بیست و یکم مانع قانونی و حقوقی و جود ندارند. اما هسته آهسته زمینه های عملی تحقق آرمان های انسانی و فرا انسانی چون برابری، زندگی سعادت مند بر مبنای عشق به همنوع مهیا می‌شود. در کشور ما افغانستان در دهه حاضر شاهد تجربه نوع دموکراسی مردمی بودیم که زنان توانستند در پالمان کشور نمایند داشته باشند، در عرصه اجرای نیز نامزد ریاست جمهوری شدند. و ما چندین وزیر زن در کشور داریم که خود نمونه خوب از تحقق این امر است.

باید گفت که ملتی که از نیم پیکره جامعه و نیروی انسانی اش (زنان) در جهت ترقی و سعادت جامعه شان استفاده نکند و با مولفه های فکری بربریت زیست نمایند، آن ملت شایسته آزادی و خوشبختی به عنوان ارزش های والای بشریت نخواهد بود. یکی از علل عقب ماندگی جوامع شرقی که جهان سوم محسوب می‌شوند در سه قرن قبل این بوده و مورد استعمار و استثمار قرار گرفته اند؛ این بوده که زنان در هیچ امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حق شرکت نداشته اند که خود بیان می‌کند که نیم نیروی شان بدون استفاده باقی بوده است.

خواهران ما همان اندازه می‌توانند نقش بازی کنند که برادران مامی توانند.

1- کمال پولادی، تاریخ اندیشه های سیاسی غرب، 1386

2- قرآن کریم، حجرات/13

3- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، اصل 3، نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

4- اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمیسیون مستقل حقوق بشر، 1390، (بند اول ماده 21)

5- سید محمد هاشمی، حقوق بشر و آزادی های اساسی، نشر میزان، 1384، ص 435

6- قانو اساسی افغانستان، اصل 33.

7- قانون اساسی ایتالیا، نشر نگان بینه، 1387، اصل 3.

8- محمد عیادزاده کرمانی، ایندرا گاندی، 1362، ص 76.



ارتقای ظرفیت و دادخواهی از حقوق سیاسی زنان

مبارزات سیاسی زنان و یادی از شهدای راه عدالت و آزادی



حقیقت این است که زنان هیچگاهی از مردان کم نبوده اند و مانند مردان گام های آزادی بخش را برای حل منازعات زندگی سیاسی، اجتماعی و تحقق حق و عدالت گذاشته اند و دوش به دوش مردان از ارزشهای دموکراسی دفاع کرده و در نوسازی و آبادی سهم گرفته اند. هیچگاه نمی توان نقش زن را در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نادیده گرفت.

اما متأسفانه تاریخ، بیشتر به دست مردان رقم خورده است که ما درگستره تاریخ پر فراز و نشیب افغانستان شاهد قتل رابعه ها، مهستی ها، جهان خاتون ها و طاهره قره العین ها بوده ایم و فرهنگ مرد سالار صدها مهستی، وده ها قره العین را مانند رابعه نخستین بانوی شعر، رگ بریده ویا همانند مهری هروی به کنده زنجیر در بند کشیده اند. ویا هم به جرم اینکه زنان نباید به مکتب بروند، بالای شان تیزاب پاشیده اند وده ها انبیت و آزار های مختلف دیگر مثل بریدن بینی. و امثال این گونه اعمال ضد انسانی، که افکار متکرر و زن ستیز بالای زنان روا داشته است.

اما با این حال در ادوار مختلف تاریخی در این مرز و بوم، زنانی در عرصه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قامت برافراشته اند که برای اعتلای انسانیت و ترویج فرهنگ تسامح و تساهل فدا کاری کرده و از ارزشهای دموکراسی، حقوق بشری، تمامیت ارضی کشور شجاعانه دفاع کرده اند که در این نوشته به گونه فشرده به فعالیت و فداکاری چند تن از زنانی پرداخته می شود که در راه دفاع از ارزشهای اسلامی و انسانی و در راه رسیدن به حقوق سیاسی و اجتماعی شان جان باخته اند.

ملالی کاکر: معروف ترین پولیس و افسر ارشد در قندهار بود، که ریاست «بخش زنان اداره مبارزه با جرائم فرماندهی پلیس قندهار» را بر عهده داشت و مادر شش فرزند نیز بود. ملالی کاکر شجاعانه از نوامیس ملی و تمامیت ارضی کشورحراست کرد. و در راستای مسوولیت پذیری و دفاع از وطن هیچ چیزی کمتر از مردان نداشت و دلیرانه از آرمان های مردم افغانستان دفاع کرد، اما دشمنان مردم و خاک افغانستان این زن شجاع را با کمال بی شرمی به شهادت رساندند. چنانچه گفته اند: هنگامی که تروریستان برای نابودی او اقدام کردند، او پیشتر ۳ نفر از اعضای طالبان را به ضرب گلوله کشته بود که این خود بیانگر شجاعت، دلیری و مسوولیت پذیری او به عنوان یک پولیس متعهد به خاک و مردم افغانستان است.

ذکیه ذکی: یکی از چهره های برجسته در تاریخ روزنامه نگاری افغانستان بود. که وی ریاست رادیو «صدای صلح» را به عهده داشت و دلیرانه از آرمان های انسانی دفاع کرد و به عنوان یک انسان، هیچگاه دست از روشنگری نکشید و روشن گری را یکی از وجایب انسانی خود می دانست. ذکیه ذکی یک ژورنالیست منتقد و متعهد بود که علناً دشمنان خاک و مردم افغانستان نشانه می گرفت و از آزادی و عدالت سخن می گفت و برای آوردن صلح و تحکیم دموکراسی به عنوان یک ضرورت همواره تلاش می کرد. اما دشمنان فرهنگ، این روزنامه نگار متعهد را در شبانگاه 15 جوزای 1386، به جرم دفاع از دموکراسی و ترویج فرهنگ تسامح و تساهل، جلو چشمان فرزند دوساله اش به شهادت رساندند. که تاریخ ژورنالیز افغانستان هیچگاه چنین ضایعه بزرگ را در عرصه روشنگری و روزنامه نگاری فراموش نخواهد کرد.

ستاره اچکزئی: یکی از مدافع حقوق زنان و وکیل شورای ولایتی در ولایت قندهار بود که این خانم حقوق دان و آگاه در مسایل سیاسی و اجتماعی همواره برای آوردن صلح و نهادینه شدن فرهنگ حقوق بشری تلاش کرد و برای آوردن صلح به عنوان یک ارزش می اندیشید. و پنجاه سال از بهار زنده گی اش سپری شده بود. که طالبان وی را به شهادت رسانید و با کمال بی شرمی مسوولیت شهادت او را نیز به عهده گرفتند، و قتل این خانم را افتخار برای خود دانستند، در حالیکه شهادت خانم اچکزئی یک ضایعه بزرگ برای مردم افغانستان بود و مردم افغانستان هیچگاه شهادت خانم اچکزئی و صد ها زنان دیگری که در این سرزمین به دفاع از صلح و امنیت گام برداشته و در راستای تحکیم صلح و ارزشهای انسانی، قربانی شده اند، فراموش نخواهند کرد، و تاریخ افغانستان مرثیه نامه این شهدا را به رنگ خون خواهد نوشت.

حمیده برمکی: استاد دانشکده حقوق و گرداننده بخش کودکان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، عضو هیات ریسه آن و همچنان نویسنده کتاب «حقوق زن در اسلام و قوانین افغانستان»، بود که روز هشتم دلو 1389، برابر با بیست و هشتم جنوری 2011، هنگامی که با همسرش داکتر مسعود بما و چهار فرزندش، در فروشگاه "Finest" (وزیر اکبر خان/ کابل) سرگرم خریداری نیازمندیهای خانواده اش بود، در یک عملیات انتحاری به شهادت رسیدند. که مسوولیت این حمله انتحاری را طالبان و حزب اسلامی به عهده گرفتند.

نادیا انجمن: بانوی شعر در ادبیات فارسی دری بود که همانند فروغ فرخزاد، از پانزده سالگی به سرودن شعر آغاز کرد، اما آغاز شاعری او مصادف بود با اشغال شهر هرات توسط گروه بنیادگرای طالبان. که طالبان با اشغال شهر هر گونه فعالیت اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و سیاسی را برای زنان و دختران افغان ممنوع کرد. اما نادیا ی نوجوان در زیر سایه حاکمیت طالبان به عنوان یک شاعر آگاه شعر سرود و از درد ورنج مردم سخن گفت.

نادیا انجمن از دست پرورده های کارگاه سوزن طلایی بود که این کارگاه در هرات، زمان حاکمیت طالبان، تحت عنوان آموزش خیاطی به زنان، جلسات نقد ادبی و شعر خوانی را نیز دایر می کرد.

نادیا بعد از سرنوشتی حاکمیت سپاه طالبان به تحصیلاتش در هرات ادامه داد و با مردی که در دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه هرات کارمند بود ازدواج کرد، اما دیری نپایید که عنعنات ناپسند و رسوم مخرف جامعه در هرات مردی ترنج نارسیده این شاعر جوان را به زیر انداخت و شوهرش گرگ گونه گلوی وی را فشرد. اما غافل از این که تاریخ ادبیات افغانستان هیچگاه شهادت این بانوی شعر را فراموش نخواهد کرد و نامش را همیشه گرامی خواهد داشت.

امروز با تأسف که ما ملالی کاکر، ستاره اچکزئی، نادیا انجمن، حمیده برمکی، ذکیه ذکی وده ها تن دیگر مانند این زنان آگاه ودانا را درکنار خود نداریم و جای شان خالیست، اما نامش شان به عنوان شهدای راستین در تاریخ کشور ما ثبت خواهد بود، و تاریخ گواه خواهد بود، که زنان همانند مردان این سرزمین در راه تأمین امنیت، تحکیم دموکراسی و تحقق عدالت اجتماعی جان فشانای کرده و در راه تحقق آزادی قربانی شده اند.

در اخیر نویسنده این مقال صبر جمیل برای بازمانده گان تمام شهدای راه عدالت خواهان است و به عنوان یک شهروند کشور، جنگ و جنگ سالاران را محکوم نموده واز دولت میخواهد که برای تأمین امنیت و صلح در کشور بیشتر از پیش بکوشد تا دیگر شاهد حملات انتحاری، بمب گذاری، ترور و غیره در کشور نباشیم و کودکان این سرزمین بتوانند آزادانه در فضای صلح وامنیت هر طرف پرکشایند.

صاحب امتیاز: عبدالخیر مرادی 0794436779 @Hhtmil.com Abdul Khair.Moradi

مدیر مسئول: غلام ربانی هدفمند / 0797244300 hadafmand.25@gmail.com

معاون مدیرمسئول: محمود خادمی 0791924433

سر دبیر: محمد آصف نالان / 0797594063 Asif.eccghor@gmail.com

معاون سردبیر: میر آقا ساید / 0797968944 said514@yahoo.com

ویراستار: نیاز محمد نیازی / 0798423831 niazy_2008@yahoo.com

گزارشگر: میسم «شاهین» صفدر وکیلی، محمد حنیف قاضیزاده و زمان الدین فروزانفر.

هیئت تحریر: محمد یونس فانوس، شاه محمد دهزاد، نور الله نوری، حسین علی «خاموش» گل محمد طارق، محمد شاه شایق

طرح و دیزاین: هدفمند

محل چاپ: چاپخانه قادری کابل - افغانستان . تیراژ / شمارگان: 2000

سنگ تهداب انجمن اصلاح گذاشته شد



انجمن اصلاح و معرفت که شاخه از جمعیت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان است، از مدت سه سال بدینسو فعالیت های دعوت اسلامی خویش را به پیرامون موضوعات گوناگونی دینی به راه انداخته است، این مرکز دینی که وابسته به هیچ گروه ویا حزب سیاسی نبوده است، کوشش میکند تا در زمینه مسایل دینی صرف به خاطر رضای الله (ج) برای انکشاف سطح آگاهی مردم مسلمان ولایت غور بخصوص نسل جوان امروز ومسئولیت های فرا راه این قشر در راستای پیداری اسلامی کار نماید؛

از اینکه این مرکز دینی از مدت سه سال به این طرف کدام آدرس مشخص ومعینی نداشت، و ضمناً حجم کاری این نهاد هم زیاد بود لذا ضرورت به یک آدرس دقیق و معین شدیداً احساس میشد تا همه فعالیت های دینی و از یک آدرس معین به پیش برده شود تا برای مراجعین هم سهولت و آسانی باشد، روی این منظور محترم غلام غوث خان یعقوبی فرزند الحاج وکیل محمد یعقوب خان مرحوم زمینی را که حدوداً 1200 متر مربع و از ملک شخصی ایشان می باشد، به این نهاد دینی به گونه وقفی اهدا نمودند، که از درگاه الله (ج) برای ایشان اجر عظیم و پاداش نهایت بزرگی را خواهانیم! خداوند این عمل ایشان را به قطار صدقه جاریه قبول نماید! جا دارد تا از تمام تجاران خیری که در زمینه اعمار تعمیر وحویلی این نهاد را وعده داده اند، تقدیر نموده واز درگاه خداوند توفیقاتی مزیدی ایشان را در راستای مساعدتهای دینی بخصوص دعوت اسلامی خواهانم.

متن سخنرانی استساده ساقسی در انستیتوت تربیه معلم ایپیک در مالزیا

خانم ها وآقایان حاضر در جلسه!

اسلام وعلیکم .

وقتی هوا پیمای ما به سرزمین مالزی نزدیک می شد و از فراز آبی دریا، به خشکه می رسد همه چیز اینجا سبز و زیبا بود. زمانی که ما به فرودگاه پایین شدیم ،به استقبال گرم و دوستانه کارمندان برنامه مایپا مواجه شدیم و آنها از ما باپیشانی بزر استقبال کردند. کوالالامپور که رسیدیم مالزیا برای ما کشور آباد، زیبا و دوست داشتنی جلوه کرد. روز بعدش ما از یکی از معابد باشکوه بودایی های مالزی به نام « باتو کیف » دیدن کردیم. ما 375 پله بالا رفتیم و به موسیقی مذهبی که در آنجا پخش می شد، گوش فرادادیم. آن معبد، واقعا محلی زیبا، روحانی و شگفت انگیز بود. بعداً ما به دو گروه ایپا و ایپیک تقسیم شدیم. در جریان درس در هر دو انستوتت با استادان مجرب ، دانشمند و مهربان سر و کار داشتیم. هرکلمه شان برای ما، درس بود و هر حرف شان آموختنی و مهم. تسهیلات و امکانات مناسب نیز ، به خاطر ما ، در نظر گرفته شده بود. ما تجارب مفیدی در مورد گذار از معلم محوری به شاگرد محوری کسب کردیم و میتوذهای جالب و مؤثری را تجربه نمودیم.

در جریان ماه رمضان، برنامه های آموزنده به شمول افطاری های لذیذی برای ما، در نظر گرفته شده بود و در رخصتی های عید فطر مسافرت در جزیره پنکور سازمان داده شده بود. در پنکور ما، در دل دریا شنا کردیم. قایق سوار شدیم، پارو زدیم و در نوک قایق موتوری در درون بحر پیش رفتیم. شاید برای شما قایق سواری و شنا در دریا چیزی معمولی باشد ، برای ما، اما این تجربه بسیار جالب بود. افغانستان کشوری محاط به خشکه است و بحر ندارد. دفعه اولم بود که قایق سوار شده بودم و به سرعت 200 کیلومتر در ساعت در بحر پیش می راندم و خیال می کردم دارم پرواز می کنم، مثل کبوتر، مثل عقاب.

برنامه دیگر ما سفر به ایالت «کده» بود. در آنجا به استقبال گرم مردم ، مسوولین و شاگردان و معلمان مکاتب مواجه شدیم. ما از صنف ها دیدن کردیم. در میدان های ورزش ، بازی کردیم. موسیقی شنیدیم. غذا خوریم و زمانی که خداحافظی می کردیم کسانی بسیاری اشک می ریختند هم از مالزیا هم از افغانستان. در شهر ملاکا از مناطق زیبای آن دیدن کردیم. از مراکز خرید اش جنس خریدیم و از « تعمیر سرخ» در بالای آن تپه باشکوه که مبارزان استقلال در آن قدم زده بودند، دیدن کردیم.

بلندی های « گنتینگ» را هرگز فراموش نمی کنم. کیلومترها پرواز بر روی کوه ها و تپه ها و بعدا آن هوای زیبای دوست داشتنی که خیلی بوی افغانستان داشت. بوی پامیر ، بوی سالنگ، بوی باین.

کوالالامپور زیبا ، شهر پل های هوایی و ساختمان های بلند و جاده های ماریپج که البته برای ما خیلی خاطره انگیز بود. ما ، در این شهر از میدولی ، لویت ، دیجیتل مال، سنترال مارکیت و جاهای دیگر سودا خریدیم. در رستوران های زیبای کوالالامپور غذا خوردیم و در مساجد زیبای آن نماز ادا کردیم.

امیدوارم تجارب آموزشی ما، در مالزیا برای سیستم تعلیم و تربیه افغانستان مفید واقع شود و به تعلیم اطفال آنجا کمک کند. آن اطفالی که گاهی اوقات حتا تعمیری برای درس خواندن هم ندارند و در فضای باز ، زیر آفتاب یا در بهترین حالت در سایه درختان درس می خوانند.

امیدواریم همکاری مردم وحکومت مالزیا و رابطه افغانستان و این مملکت ، روزتا روز بیشتر ومحکم تر شود.

امیدواریم باز هم بتوانیم از کشور شما دیدن نماییم وشما را یک روز در کشور خود به گرمی استقبال نماییم.

یکبار دیگر از زحمات زیاد مسوولین و استادان بزرگوار در ایپیک وایپا، مسوولین برنامه مایپا و مردم عزیز و بزرگوار مالزیا تشکر می کنم. خاطرات خوبی های این مردم همیشه با ما خواهد بود. زنده باد افغانستان . زنده باد مالزیا. ما ازین کشور می رویم و قلب ما همیشه به یاد خوبی های این مردم در اینجا خواهد ماند! روز خوش داشته باشید. تشکر خیلی زیاد.

شنسب از قلم به دستان محترم آرزومند است که با ارسال مطالب مستند خود ما را یاری رسانید ، شنسب در ویرایش مطالب دست باز دارد ، مسوولیت مقالات چاپ شده به استثنای سر مقاله به دوش شنسب نیست. اداره ماهنامه شنسب